

توسعه و جایگاه توسعه پایدار

دکتر مهدی روانشادنیا

جایگاه توسعه پایدار در مفهوم توسعه-دکتر مهدی روانشادنیا-
www.ravanshadnia.com

فهرست

- مقدمه: کیفیت زندگی
- واژه شناسی رشد و توسعه
- تعریف توسعه
- توسعه پایدار
- زمینه ها و بسترهای توسعه پایدار
- اصول اولیه توسعه پایدار
- مولفه ها و نظریه های توسعه پایدار
- اهداف توسعه هزاره

وسعت فقر

❖ ۲۰٪ جمعیت جهان (۱.۳ بلیون نفر) درآمدی کمتر از ۱

دلار امریکا در روز دارند.

❖ تقریبا نیمی از جمعیت دنیا درآمدی کمتر از ۲ دلار امریکا

در روز دارند.

❖ ۹ کشور از ۲۳ کشور منطقه مدیترانه ای شرقی درآمد

سرانه سالیانه کمتر از ۱۰۰۰ دلار امریکا دارند.

وسعت فقر

(ادامه ...)

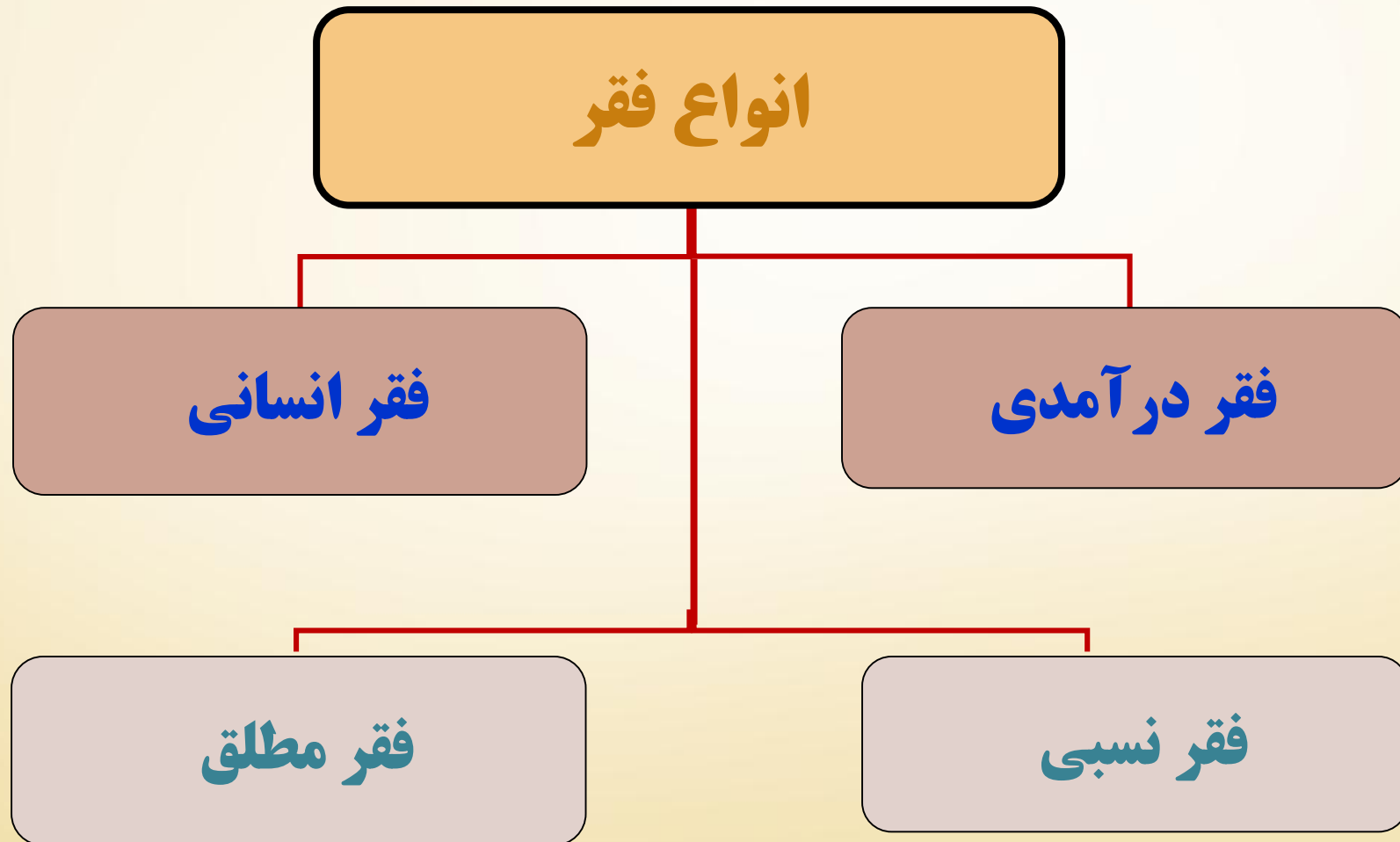
❖ در میان فقرا میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال ۵ برابر گروههای با درآمد بالاتر است

❖ احتمال مرگ در بین سنین ۱۵ تا ۵۹ سال بیش از ۲.۵ برابر گروههای با درآمد بالاتر است

❖ در برخی از کشورهای زیر صحرای آفریقا خطر مرگ و میر در اثر بارداری ۱ در ۱۲ در مقایسه با ۱ در ۴۰۰۰ در اروپا می باشد .

(منبع : انتشارات UNDP گزارش توسعه انسانی)

انواع فقر



کیفیت زندگی

حیطه کاملی از وضعیتهای انسانی

زندگی اجتماعی، فیزیکی و روحی سالم

فرصتهای
عادلانه

کیفیت
زندگی

قابلیت دسترسی به
نیازهای اساسی

عوامل خطر کلیدی
محدود شده

کیفیت زندگی

کیفیت ذهنی زندگی
(subjective)

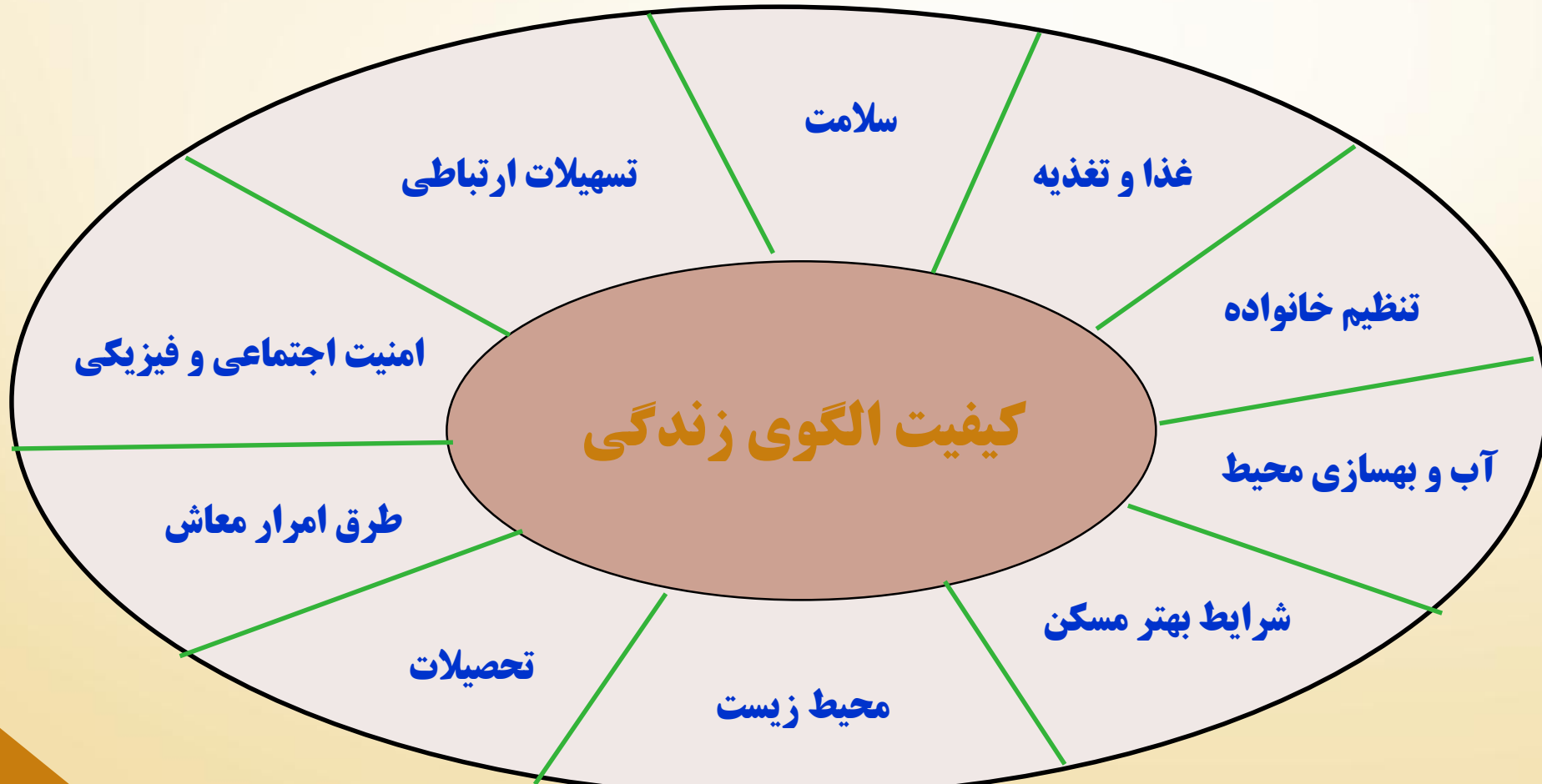
بطور کل
احساس خوب بودن و
رضایتمندی از چیزها

کیفیت عینی زندگی
(objective)

پایبندی به الزامات فرهنگی و اجتماعی
در راستای رسیدن به ثروت مادی،
موقعیت اجتماعی بهتر
و رفاه فیزیکی

کیفیت الگوی زندگی

کیفیت زندگی کانون توسعه اجتماعی و انسانی است و عوامل تعیین کننده آن وابسته بهم هستند



واژه شناسی توسعه

واژه شناسی توسعه و توسعه نیافتگی

خطاب به کشورهایی که در گروه پیشرفته‌ها نمی‌باشند واژه‌های متعددی در ادبیات توسعه موجود است که عبارتند از:

Underdeveloped Countries	کشورهای عقب مانده یا کم توسعه
Third World Countries	کشورهای جهان سوم
The South	کشورهای جنوب
Backward Countries	کشورهای عقب مانده
Undeveloped Countries	کشورهای توسعه نیافته
Least Developed Countries (LDC)	فقیر ترین کشورها
Less Developed Countries (DC)	کشورهای در حال توسعه
Uneven Development	توسعه ناهموار

اما سازمان ملل بکارگیری این واژه‌ها در مورد کشورهای توسعه نیافته را توهین آمیز خواند و پیشنهاد کرد برای این کشورها از واژه کشورهای در حال توسعه (Developing Countries) استفاده نمایند.

Terminology- Some other Phrases

• در ادبیات توسعه واژه های دیگری هم یافت می شوند که با مباحث توسعه و توسعه نیافتگی کشورهای جهان مرتبط هستند. برخی از این واژه ها عبارتند از:

Underdevelopment	عقب ماندگی
Development	توسعه یافتگی
Uneven Development	توسعه ناهموار
Sustainable Development	توسعه ...

در نقطه مقابل نیز اصطلاحات متعددی برای کشورهای پیشرفته وجود دارد

Western Countries	کشورهای غربی
The North	کشورهای شمال
Industrial Countries	کشورهای صنعتی
Modern Countries	کشورهای مدرن
Developed Countries	کشورهای توسعه یافته

تعاریف اولیه از رشد و توسعه

- اگرچه توسعه اقتصادی در قرون هجده و نوزده بصورت ساده و صرفاً بر اساس افزایش تولید کل یک جامعه ارزیابی می‌شد ولی امروزه این برداشت ناکافی و قادر به تبیین واقعیات موجود نخواهد بود.
- روند تاریخی مطالعات توسعه حاکی است که دانشمندان علوم اجتماعی این علم را از نگاه‌های مختلفی بررسی نموده‌اند. وجود طیف وسیعی از مطالعات دانشمندان و محققین علم توسعه اقتصادی با تنوع گرایش‌های علمی و دیدگاهی منجر به مجموعه گسترده‌ای از تعاریف توسعه و بنابراین تئوری‌های توسعه شده است.

تعاریف اولیه از رشد و توسعه

❖ بهر حال وجود چنین تنوعی، انتخاب یک مفهوم واحد را دشوار می نماید. شاید بدین دلیل است که می ی (Meier) معتقد است که "بهتر است بگوئیم توسعه اقتصادی چه چیزی نیست". اما علیرغم تنوع تعاریف، مفاهیم مشترک فراوانی را در ادبیات توسعه می توان ملاحظه نمود:

❖ "افزایش در ظرفیت تولیدی یک جامعه" یکی از رایج ترین جنبه های فرآیند توسعه اقتصادی و وجوه مشترک این مفهوم است که بوسیله بسیاری از اقتصاددانان مورد تاکید قرار گرفته است. دومین وجه مشترک مفهوم توسعه، طولانی و مستمر بودن مدت فرآیند آنست. به عنوان نمونه، کوزنتس (Kuznets) معتقد است که: "رشد اقتصادی عبارت است از افزایش بلندمدت ظرفیت های تولید برای کالاهای (از حیث تنوع) در حال افزایش که این افزایش ظرفیت خود متأثر از پیشرفت های تکنولوژیک و تعدیل های نهادی و ایدئولوژیک لازم برای این تکنولوژیها می باشد".

تعریف توسعه با توجه به جنبه های اجتماعی

❖ اما تعدادی از اقتصاددانان توسعه اقتصادی را صرفاً محدود به تغییرات آشکار در نهادهای اقتصادی ندانسته معتقدند که توسعه اقتصادی متضمن تحولات عمیق و اساسی هم در ساختارهای اقتصادی و هم در ساختارهای اجتماعی جامعه می باشد. به عنوان نمونه، هوزلیتز (Hoselitz) معتقد است که علاوه بر تحولات اقتصادی، تغییرات وسیع در همه ابعاد زندگی لازم است. در پاسخ به این سؤال که "آیا توسعه اقتصادی صرفاً محدود به تغییر در ابعاد مشخص و ظاهری رفتار می باشد؟" بیان می کند که:

❖ من تصور می کنم که توسعه اقتصادی، بخصوص اگر مستلزم صنعتی شدن باشد، به یک فرآیند سریع و (بنوعی) انقلابی گفته می شود که اگر قرار است در جامعه ریشه دار گردد باید بطور گسترده و عمیقی نفوذ نموده و بنابراین بر ساختارهای اجتماعی و فرهنگی آن تاثیر گذار باشد. به عبارت دیگر، توسعه اقتصادی نه تنها شامل تغییر در تکنیک های تولید بلکه شامل تغییر جهت گیری در هنجارها و ارزش های اجتماعی نیز می گردد

❖ پاول استرین (Streeten) نیز معتقد بود که "توسعه هم به عنوان یک هدف و هم به عنوان یک فرآیند شامل تحول اساسی هم در دیدگاه نسبت به زندگی و کار و هم در نهادهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشد".

نقش ارزشها در تعریف توسعه

تعدد و تکرار تعاریف توسعه ممکن است نتیجه این تفکر غالب باشد که توسعه یک مقوله ارزشی است که متضمن حرکت از وضع موجود به وضع مطلوب در جامعه است. اما مطلوب و ارزشمند واژه‌هایی ارزشی هستند که ممکن است در جوامع مختلف تعاریف متمایز و یا حتی متضادی داشته باشند. به همین دلیل بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان معتقدند که اینگونه قضاوت‌های ارزشی مانعی برای نیل به یک تعریف فراگیر و جهانی برای توسعه می‌باشد. پاول استریتن (Streeten) می‌گوید: "از همه مهمتر آنکه باید بخاطر داشت که این اقدامات به قضاوت‌هایی ارزشی در مورد اهداف توسعه اشاره می‌کنند که این اهداف مانع نیل به یک توافق جهانی در مورد توسعه می‌شوند".

نقش ارزشها در تعریف توسعه

ضمن تاکید بر نقش قضاوت‌های ارزشی بر جهت‌گیری فرآیند توسعه، دادلی سیرز می‌پرسد: **"اما منشأ این قضاوت‌های ارزشی چیست؟"** سیرز (Seers). جمله‌ای از تین برگن که می‌گوید یک جامعه می‌تواند این قضاوت‌های ارزشی را از دولت خود اخذ کند، نقل نموده و ضمن رد این عقیده بر این باور است که **برخی دولت‌ها خود مانع توسعه‌اند و بنابراین قادر نخواهند بود که ارزش‌های لازم برای توسعه را ارائه نمایند.**

تعریف دادلی سیرز از توسعه

❖ اما علیرغم نقش ارزش‌ها در تعیین جهت جوامع، بسیاری از متخصصین علوم اجتماعی تلاش نموده‌اند تا مشخصات مشترکی در بین جوامع را استخراج و بر اساس آن یک هدف واحد برای فرآیند توسعه در کل جوامع تعریف نمایند. خود دادلی سیرز سه ویژگی اساسی توسعه را به صورت سؤال طرح کرده که معتقد است علیرغم تنوع در دین، سنت، نژاد و ... در بین همه جوامع مشترک است:

❖ بنابراین سئوالی که باید درباره فرآیند توسعه یک کشور پرسید آن است که: **چه اتفاقی برای فقر افتاده است؟ چه اتفاقی برای بیکاری افتاده است؟ چه اتفاقی برای نابرابری افتاده است؟** اگر در همه این سه مورد کاهش رخ داده باشد بدون تردید باید گفت که در جامعه مورد نظر توسعه اتفاق افتاده است. اما اگر یک یا دو مورد از این سه مشکل اساسی بدتر شده‌اند بخصوص اگر هر سه مورد بدتر شده باشند، عجیب خواهد بود که نتیجه این فرآیند را توسعه بنامیم حتی اگر درآمد سرانه نیز افزایش یافته باشد (Seers).

تعریف عقب ماندگی

آدلمن (Adelman) بیان می کند که: "یک جامعه موقعی عقب مانده است که توسعه اقتصادی در آن قابل حصول اما کامل نشده باشد".

انکه (Enke) نیز یک کشور فقیر و عقب مانده را چنین توصیف می کند: "اگر در یک کشور منابع طبیعی ارزشمند اما بلا استفاده و یا فرهنگی غیراقتصادی اما قابل تغییر وجود داشته باشد"، در آن صورت چنین کشوری عقب مانده خوانده می شود.

مشابه این دو نویسنده کوزنتس (Kuzntes) می گوید: "منظور ما از اصطلاح عقب مانده اشاره به کشورهایی است که توسعه اقتصادی آنها کمتر از آن چیزی است که می توانند باشند، و قابلیت آنها بسیار بیش از آن چیزی است که در حال بهره برداری هستند.

دامنه انتخاب در تعریف توسعه

بسیاری از اقتصاددانان (Little, Goulet) معتقدند که توسعه فرآیندی است که طی آن دامنه انتخاب انسان افزایش می‌یابد.

آرتور لوئیس جمله معروفی دارد که مرجع بسیاری از اقتصاد دانان بعدی شده است. وی می‌گوید:
"نکته مهم در مورد رشد اقتصادی آنست که به انسان قدرت کنترل بیشتری بر محیط پیرامون او می‌دهد و با این تسلط، دامنه آزادی او وسیع‌تر می‌شود" (Lewis).

والتر الکان نیز توسعه را چنین تعریف نموده است: "توسعه فرآیندی است که با افزودن دامنه انتخاب انسان، او را در وضعیت مرفه‌تری قرار می‌دهد" (Elkan).

تئودور مورگان (Morgan) ضمن تأیید باینر جمله‌ای از او نقل می‌کند که: "معیار ما در قضاوت در مورد توسعه اقتصادی آنست که توسعه دامنه انتخاب‌های متعددی که بوسیله آن (توسعه) به روی انسان (به عنوان مصرف‌کننده و یا تولیدکننده) باز شده را وسیع‌تر نموده است".

تحول در تعریف توسعه

با این حال، تفسیر دنیس گولت (Goulet) از توسعه زمینه را برای ارائه جامع‌ترین تعریف از توسعه فراهم نماید. تعریف او از توسعه نه تنها اهداف اقتصادی (که توسط بسیاری از اقتصاددانان بیان می‌شوند) را در بر می‌گیرد، بلکه شامل جنبه‌های اجتماعی و روانی جامعه نیز می‌گردند. این تفسیر ابتکاری از مفهوم توسعه بوسیله دو اقتصاد‌توسعه‌دان مشهور معاصر یعنی مایکل تودارو (Todaro) و آنتونی تیرل وال (Thirlwall) مورد قبول و تبیین قرار گرفته است. گولت سه جزء اساسی یا سه ارزش محوری را به عنوان معیار فرایند توسعه بیان نموده است. این سه **ارزش محوری که به عنوان اهدافی اساسی بوسیله هر فرد و یا جامعه‌ای دنبال می‌شوند عبارتند از: معیشت، اعتماد به نفس و آزادی.**

به نظر می‌رسد این نوع نگاه به توسعه باعث تحولی در تعریف توسعه و ورود عوامل غیراقتصادی به این تعریف شده باشد. به عبارت دیگر، این تعریف از توسعه نه به عنوان یک تحول صرف اقتصادی بلکه به تحول در همه ابعاد و جهات زندگی توجه می‌کند.

سه ارزش محوری تعریف توسعه به نقل از تودارو (Todaro)

معیشت: قدرت تأمین نیازهای اساسی

Sustenance: The Ability to Meet Basic Needs

همه مردم نیازهای اساسی معینی دارند که بدون آنها زندگی غیرممکن خواهد بود. این نیازهای اساسی بشری تضمین کننده بقاء انسان شامل غذا، مسکن، بهداشت و امنیت می باشد... .
بنابراین کارکرد اساسی کلیه فعالیت‌های اقتصادی تأمین کننده ابزار و لوازمی برای تعداد هر چه بیشتر افراد به منظور غلبه بر ناتوانی و مصیبت ناشی از کمبود غذا، مسکن، بهداشت و امنیت می باشد... .

بدیهی است بدون وجود یک رشد مستمر و خود افزا در سطح فردی و اجتماعی، تحقق توانائی و قابلیت بشر امکان پذیر نخواهد بود... .

بنابراین، افزایش درآمد سرانه، محو فقر مطلق، ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و کاهش نابرابری درآمدی تأمین کننده شرایط لازم و نه کافی برای توسعه خواهند بود.

اعتماد به نفس: انسان بودن

Self-esteem: To be a Person

دومین جزء برخورداری از یک زندگی خوب، اعتماد به نفس است. همه مردم و جوامع به دنبال نوعی اعتماد به نفس هستند هرچند با نام‌های **هویت، مقام، اعتبار، منزلت، افتخار و استقلال** از آن یاد نمایند ..

بهر حال با گسترش ارزش‌های نوین کشورهای پیشرفته بسیاری از جوامع در کشورهای جهان سوم که ممکن است قبلاً احساس عمیقی نسبت به ارزشهای خود داشته اند، به هنگام تماس با جوامعی که از نظر اقتصادی و تکنولوژیک پیشرفته اند از یک اغتشاش جدی فرهنگی رنج ببرند و علتش این است که برخورداری و ثروتمند بودن به یک معیار نسبتاً جهانی ارزش تبدیل شده است. بخاطر اعتبار ملی که به همراه ارزش‌های مادی موجود در جوامع پیشرفته وجود دارد، امروزه اعتماد و ارزش فقط به کشورهای که دارای ثروت‌های اقتصادی و قدرت تکنولوژیک هستند یعنی کشورهای توسعه یافته داده می شود.

آزادی از قیدبندگی: قادر به انتخاب بودن Freedom from Servitude: To Be Able to Choose

سومین و آخرین ارزش جهانی که ما فکر می‌کنیم جزئی از مفهوم توسعه است، آزادی است. در اینجا آزادی بمعنی احساس رهائی از شرایط از خود بیگانه کننده زندگی مادی و بندگی طبیعت، از جهل، انسانهای دیگر، مصیبت، نهادها و اعتقادات متحجرانه است. آزادی شامل دامنه وسیعی از انتخاب‌ها برای جوامع و اعضای آنها به همراه حداقل شدن موانع خارجی برای نیل به اهدافی که به توسعه معروف‌اند می‌شود.

در مقایسه با فقر، ثروت به انسان قدرت بیشتری برای تسلط بر طبیعت و محیط مادی مثلاً از طریق تولید غذا، پوشاک و مسکن بیشتر می‌دهد. ثروت همچنین به افراد آزادی انتخاب رفاه بیشتر و یا برخورداری از کالا و خدمات بیشتر می‌دهد یا به او اختیار می‌دهد تا همه خواست‌های مادی را انکار نموده و به یک زندگی کاملاً معنوی بپردازد.

تعریف توسعه از دید آمارتیا سن

Amartya Sen

- Development can be seen as a process of expanding the real freedoms that people enjoy. ... Development requires the removal of major sources of unfreedom: poverty as well as tyranny, poor economic opportunities as well as systematic social deprivation, neglect of public facilities as well as intolerance of overactivity of repressive state (Sen, 1999, 3).

• توسعه را می توان فرآیندی دانست که موجب گسترش آزادی هایی خواهد شد که مردم از آن نفع می برند. ... توسعه باید منجر به محو این منابع عبارتند از: فقر و ستمگری، نبود فرصت های اقتصادی و محرومیت های اجتماعی نهادینه شده، غفلت از بودجه های عمومی و بی تحملی و یکه تازی دولت های سرکوبگر.

تعریف توسعه از دید آمارتیا سن

Amartya Sen

- گسترش آزادی ها هم یک هدف اولیه و هم مهمترین ابزارهای توسعه می باشد. توسعه شامل حذف انواع محدودیت هایی می شود که انتخاب افراد را بسیار محدود می کنند و یا فرصت های کمی در اختیار آنها قرار می دهد تا ابراز هویت کنند (ابراز وجود کنند). ... حذف محدودیت های اساسی انسان زمینه ساز تقویت توسعه خواهد شد. ... در مجموع، اهمیت ذاتی آزادی بشر به عنوان هدف اساسی توسعه در این است که آزادی در هر بخش باعث تقویت و گسترش آزادی در سایر بخشها خواهد شد (Sen, 1999, xii).

مفهوم توسعه از دید آمارتیا سن (ادامه)

- آزادی به دو دلیل در فرآیند توسعه نقشی اساسی ایفا می کند:
- ۱- **دلیل سنجشی:** ارزیابی پیشرفت یک جامعه ابتدا بر این اساس باید صورت گیرد که آیا آزادی مردم گسترش یافته است.
- ۲- **دلیل اثربخشی:** نیل به توسعه شدیداً به آزادی عمل مردم بستگی دارد.
(Sen, 1999, 4).

تعریف توسعه – مایکل توادرو

توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست، که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی، طرز تلقی عامه مردم و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است.

تفاوت رشد و توسعه

پاول استریتن (Streeten) ضمن تاکید بر به مجزا بودن فرآیند رشد و توسعه، معتقد است که رشد عمدتاً به فرآیند پیشرفت در کشورهای پیشرفته اطلاق می‌شود در حالیکه توسعه فرآیندی مرتبط با کشورهای در حال توسعه است.

تئوری (Trickle –Down)

یکی از تئوری‌هایی که به ارتباط بین رشد و توسعه پرداخته، تئوری **رخنه به پائین** (Trickle –Down) است که در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ طرفدارانی داشته و معتقد است که **نابرابری محرک رشد اقتصادی و اشتغال است.**

مبنای این تئوری، نظریه‌ای است که معتقد به بالا بودن میل نهایی به پس‌انداز ثروتمندان و پائین بودن میل نهایی به پس‌انداز در بین فقراست. بنابراین **وجود طبقه‌ای ثروتمند لازم است تا منابع لازم برای رشد اقتصادی را فراهم نمایند.**

نتیجه منطقی این استدلال پذیرش نابرابری در بین اقشار جامعه لااقل در مراحل اولیه رشد اقتصادی است. طرفداران این نظریه معتقدند که **این نابرابری طولانی نبوده و نتایج مثبت رشد سریع بطور خودکار به طبقات پائین جامعه نیز رخنه خواهد نمود.**

دادلی سیرز ضمن انتقاد از این نظریه با ارائه چندین پرسش اعتبار آنرا مورد تردید قرار داده (Seers) و تودارو با ارائه حداقل چهار دلیل صحت این نظریه را به چالش کشیده است (Todaro).

علیرغم این دیدگاه، بیشتر متخصصین علوم اجتماعی معتقد به تمایز بین این دو واژه می‌باشند. در واقع دامنه مطالعات این دو مقوله بطور گسترده‌ای متفاوت شده است: **رشد به بررسی ترکیبات مناسب عوامل تولید که منجر به حداکثر تولید می‌شود، می‌پردازد در حالیکه توسعه تحولات لازم و مناسب در حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ساختارهای اقتصادی به منظور فراهم نمودن شرایط لازم برای رشد در همه ابعاد زندگی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.**

مطالعات رشد عمدتاً در شرایط فعلی کشورهای پیشرفته (که تحولات غیر اقتصادی لازم قبلاً انجام شده است) کاربرد دارد در حالیکه کشورهای در حال توسعه مخاطب اصلی مطالعات توسعه اند. بالاخره، می‌توان نتیجه گرفت که در مطالعات مربوط به فرآیند رشد، اقتصاددانان نقش محوری دارند در حالیکه برای مطالعه توسعه علاوه بر اقتصاددانان، متخصصین حوزه های جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روانشناسی و سایر حوزه‌های علوم اجتماعی نیز نقش برجسته ای دارند.

اما گذشت زمان و پیچیدگیهای ناشی از پیشرفت های بشر در ابعاد مختلف و با شناخت بیشتر نیازهای انسان، مفهوم توسعه مرزهای اقتصادی را در نوردید و ابعاد اجتماعی-سیاسی و فرهنگی جامعه را نیز در بر گرفت.

بر اساس دیدگاه گولت که توسط تیرل وال و تودارو نیز مورد تبیین قرار گرفته، توسعه فرآیندی است که علاوه بر تامین نیازهای اساسی انسان ها باعث گسترش دامنه انتخاب و اعتماد به نفس نیز می گردد.

اما نیل به چنین هدفی مستلزم تحولات عمیق و وسیع در دیدگاه ها و ساختارهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه است. بنظر می رسد این جامع ترین برداشت از مفهوم توسعه است که در برگیرنده غالب دیدگاه های دانشمندان و محققین پیشین است.

اما چند نکته در ارتباط با مفهوم توسعه قابل بیان است:

❖ اگرچه دیدگاه غالب آن بود که بدلیل تفاوت‌های اجتماعی - فرهنگی و تاریخی سیاسی جوامع، اهداف توسعه نمی‌توانند جهانی باشند ولی حرکت تکاملی مطالعات توسعه به گونه‌ای بود که به تعریفی مشترک و جهانی دست یافت.

❖ به عبارت دیگر، این مفهوم نه تنها در برگیرنده اشتراکات مادی جوامع بوده بلکه وجوه اشتراک معنوی و غیرمادی افراد و جوامع را نیز در بر گرفته است. نیازهایی همچون احساس اعتماد به نفس، برابری طلبی، آزادی، مورد احترام بودن در جامعه و جهان و.. ویژگیهای ذاتی همه انسانها است.

❖ جستجو برای یافتن وجوه مشترک انسان‌ها هدف اصلی مطالعات کلیه دانشمندان علوم اجتماعی بود که برای نیل به تعریفی جامع از توسعه تلاش می‌نمودند. در واقع افزودن نکاتی همچون افزایش اشتغال، کاهش فقر مطلق و نابرابری و تسلط انسان بر طبیعت به تعاریف اولیه حاصل چنین گرایشی در بین دانشمندان علوم اجتماعی بوده است. در نهایت، تفسیر هوشمندانه گولت و تبیین آن توسط سایر دانشمندان جمع‌بندی کلیه تلاش‌های پیشینیان در این زمینه بوده است.

❖ اما از بین سایر ویژگی های تعریف فوق نیل به این توانمندی (آزادی) که یک جامعه قادر به انتخاب های خود باشد یکی از ارزش های محوری در بیان مفهوم توسعه است.

❖ به همین دلیل بیان مجدد این جمله از تودارو مفید خواهد بود که: "ثروت به انسان آزادی بیشتری در انتخاب می دهد؛ که رفاه بیشتری از طریق مصرف بیشتر کالا و خدمات داشته باشد و یا با نفي اهمیت تمایلات مادی خود، به انتخاب یک زندگی معنوی پرداخته و تلاش های خود را مصروف پاسخ به این نیازها کند"

پیش نیازهای توسعه پیش نیاز اول

❖ اولین پیش نیاز فرآیند توسعه در جامعه وجود خواست توسعه در بین مردم و بخصوص در بین رهبران و تصمیم گیران جامعه می باشد. اگر جهت گیری یک جامعه به سمت یک زندگی غیرمادی در مقایسه با جامعه‌ای که بدنبال حداکثر بهره مندی از یک زندگی مادی است باشد، نتیجه ای کاملاً متفاوت بدست می آید. با این وصف ممکن است جوامعی توجه به زندگی غیرمادی داشته باشند اما نیل به آن را منوط به بهره مندی تعریف شده و معقولی از زندگی مادی بدانند. بدیهی است این گروه از افراد در مقایسه با جامعه‌ای که توجه صرف به زندگی غیرمادی دارد از قابلیت بیشتری برای رشد برخوردار است.

❖ دستیابی به این مرحله که خواست توسعه در بین مردم و بخصوص تصمیم گیران گسترش یافته تا باعث توسعه گردد یک تحول غیر اقتصادی است. به عبارت دیگر، اولین تحول در فرآیند توسعه **تغییر در خواست و نگاه جامعه به زندگی مادی و معنوی و ارتباط بین این دو و اولویت و اهمیت هر کدام در فعالیت‌های افراد و جامعه است**. بنابراین قرار دادن برخورداری از یک زندگی مادی مطلوب در اولویت اصلی زندگی، پیش نیاز اولیه فرآیند توسعه است که بدون این تحول سایر فعالیت‌ها و اقدامات برای نیل به توسعه بی نتیجه یا کم اثر و با هزینه و زمان بیشتر همراه خواهد بود.

پیش‌نیاز دوم

پیش‌نیاز دوم، **آمادگی جامعه برای پرداخت هزینه‌های توسعه** است. به عبارت دیگر، قرار گرفتن خواست توسعه در اولویت اصلی زندگی باید همزمان باشد با آمادگی جامعه در پرداخت هزینه‌های نیل به این هدف.

گذشت از برخی از تعلقات فرهنگی و سنتی و وابستگی‌های بازدارنده توسعه از جمله این هزینه‌ها می‌باشد. در این مسیر ممکن است ساختارهای اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، سنتی فراوانی نیاز به حذف، تغییر اساسی و یا اصلاح داشته باشند. اگر جامعه در مقابل این تحولات مقاومت کند، تلاش در نیل به توسعه بی‌اثر یا کم‌اثر خواهد بود (تحرک و پویایی برای برخورداری از یک زندگی مطلوب)

پیش‌نیاز سوم

پیش‌نیاز سوم، **تجهیز جامعه به ابزار دستیابی به توسعه** است. بدون تردید عقل انسان عامل منحصر به فرد جوامع در تسلط بر طبیعت و محیط پیرامون و نهایتاً توسعه است.

بنا بر این جوامع باید بیشترین تلاش را برای **بهره‌مندی از خردمندان و دانشمندان جامعه در گسترش مرزهای دانش** در همه ابعاد نموده تا از طریق بکارگیری یافته‌های علمی و حل مجهولات موجود در طبیعت و جامعه زمینه تسلط بر آنها را برای رفاه بیشتر و رفع نیازهای مادی (و در نتیجه معنوی) جامعه فراهم نمایند.

جایگاه محوری علم و عالم در فرایند توسعه

با این توضیحات جایگاه علم و دانش در فرآیند توسعه به حدی است که می‌توان تعریفی از توسعه با محوریت علم و دانش به صورت زیر پیشنهاد نمود که:

توسعه فرآیندی است که در آن جامعه با بهره‌گیری از دانشمندان و خردمندان خود به نقطه‌ای از توان علمی دست یابد تا با شناخت و تسلط بیشتر بر طبیعت و محیط اجتماعی پیرامون خود به ابزار بیشتری برای رفع نیازهای مادی و معنوی خود دست یابد.

نیل به این مرحله جامعه را در موقعیتی قرار خواهد داد که خود نوع زندگی خود را انتخاب کند. بنا بر این، تفاوت در رتبه علمی منجر به تفاوت درجه توسعه یافتگی جوامع شده و این تفوق علمی باعث تفوق تکنولوژیک و بدنبال آن تفوق اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... یک جامعه بر جامعه یا جوامع دیگر خواهد شد.

نقش عوامل غیر اقتصادی

سه پیش‌نیاز فوق‌الذکر، تحولاتی غیراقتصادی‌اند اگر چه سرمایه‌گذاری در افزایش دانش را می‌توان اقدامی اقتصادی نیز تلقی کرد.

یعنی برای نیل به توسعه قبل از اقدامات صرفاً اقتصادی باید از تحولاتی که منجر به تغییر نگرش در دیدگاه‌ها، خواست‌ها و تمایلات شده و تحولات لازم برای پذیرش هزینه توسعه را فراهم نماید مطمئن گردید و آنگاه اقدامات اقتصادی را انجام داد در غیر اینصورت اقدامات صرفاً اقتصادی منجر به اتلاف سرمایه‌های مادی از طریق بهره‌برداری غیر کارآ و استفاده نامناسب خواهد شد.

هر چند اقدامات صرفاً اقتصادی نیز ممکن است زمینه‌های لازم برای تحولات غیر اقتصادی ضروری برای توسعه را فراهم آورد اما برنامه‌ریزی در این زمینه باید آگاهانه و با هدف ایجاد تحولات غیراقتصادی لازم برای رشد اقتصادی و تسلط بیشتر بر طبیعت و محیط پیرامون برای نیل به درجه آزادی بالاتر درانتخاب نوع زندگی مطلوب صورت گیرد.

نقش عوامل غیر اقتصادی

- در گذشته در روستاهای شمال اروپائیان همه منازل یکسان و دارای یک طبقه بودند یک روز فرد بلند پروازتر از دیگران یک طبقه به منزل خود افزود. او از وسایل پیشرفته دیگری نیز در منزل خود استفاده نمود. همسایه های او احساس حسادت کرده و گفتند: این کیست که می خواهد خودش را بر فراز دیگران قرار دهد؟ و آنگاه گفتند: حالا که چنین است ما هم می توانیم دو طبقه به منزل خود اضافه نماییم. سپس همسایه های دیگر سه طبقه افزودند و نتیجه آن شد که ساختمانهای شهر شما به سمت آسمان صعود کرد.
- خوب برای ما هم همین اتفاق افتاد. در یک روستای ما مردی برای ساختن یک طبقه بالای منزل خود اقدام به تهیه وسایل ساختمانی نمود. همسایه های او نیز حسادت کردند و گفتند: این مرد گستاخ کیست که خود را فراتر از سایر مردم قرار داده. از اینجا اختلاف بین ما و شما سفید پوستان بوجود آمد. مردم مانع ادامه کار او شدند و حتی منزل او را تصرف کردند. در این گونه موارد، چنین افرادی معمولاً از شهر رانده می شوند. این است که شما مخروبه هایی از سنگ در روستاهای ما ملاحظه می کنید.

تأثیر دیدگاهها بر رشد اقتصادی

- اینگونه بیان شده که معمولا در امریکا Businessman در مقایسه با، به عنوان مثال، یک فیلسوف یا استاد دانشگاه، بیشتر مورد توجه و احترام قرار می گیرد. و هرچه درآمد فرد بیشتر باشد و یا هزینه های فرد برای خرید اتومبیل خانه و ... بیشتر باشد این احترام فزونتر خواهد بود. به این دلیل است که فعالیت اقتصادی (Business) نزد امریکایی یک شغل جذاب و پر طرفدار است.
- این وضعیت در هندوستان و سایر کشورهای شرقی که ارزشها کمتر مادی اند کاملا معکوس است: جایکه "ریش سفید یا بزرگ طایفه" در روستا بیشتر از فردی که به دنبال کسب درآمد بیشتر است مورد احترام است. این نوع نگاه (این دیدگاه) به همان سطح رشد اقتصادی که در جامعه ای که با جدیت به دنبال کسب درآمدهای فزاینده و با ثبات است منجر نخواهد شد.

توسعه مفهومی جامع

❖ و نکته آخر اینکه، از مجموع مطالب فوق این نتیجه نیز قابل استنباط است که توسعه یک مفهوم جامع و فراگیر است که در برگیرنده تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی بطور نسبتاً هماهنگ و همزمان است و بحث از توسعه سیاسی، توسعه فرهنگی یا توسعه اقتصادی به لحاظ واژه‌شناسی بی معنی و در ادبیات معاصر توسعه غریب است. شاید بکار گیری واژه های رشد اقتصادی، رشد اجتماعی، رشد سیاسی واژه‌های مناسب‌تری در این زمینه باشند. یعنی توسعه یک مقوله مستقل است که حاصل رشد همزمان ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه است.

آثار توسعه یافتگی

ایجاد زمینه رشد فضائل معنوی و اخلاقی و حذف رذایل اخلاقی

شاخص های توسعه چه هستند؟
وضع ما در توسعه چگونه است؟
چرا وضع ما چنین است؟
چه باید کرد؟

شاخص های توسعه اقتصادی

- درآمد سرانه-PGNP
- شاخص برابری قدرت خرید-Purchasing Power of Parity
- شاخص درآمد پایدار-Sustainable Income Index
- شاخص توسعه انسانی - Human Development Index - امید به زندگی، دسترسی به آموزش و...
- شاخص های ترکیبی توسعه (مثل شاخص گراناهاان بر مبنای ۱۸ زیر شاخص)

ویژگیهای کشورهای توسعه نیافته – علی قنبری

- تفوق کشاورزی و خرده خدمات
- سطح پایین انباشت سرمایه
- رشد سریع جمعیت
- صادرات زیر سلطه محصولات اولیه
- نرخ بیکاری بالا
- پایین بودن سطح آموزش
- توزیع نابرابر درآمد
- تغذیه و بهداشت نامناسب

ویژگیهای کشورهای توسعه یافته – علی قنبری

- درآمد سرانه بالا
- فعال بودن بخش خصوصی
- صادر کننده خدمات و سرمایه
- سطح بسیار بالای آموزش
- رشد جمعیت پایین
- توجه بیشتر به صنعت و خدمات در اقتصاد
- ضریب جینی پایین
- حجم تجارت خارجی بالا
- داشتن فناوری و علم روز

وضعیت ایران

- ۱ درصد جمعیت دنیا و ۱ درصد مساحت دنیا
- ۳۳ صدم درصد تولید ناخالص داخلی دنیا
- یک سوم متوسط تولید ناخالص داخلی سرانه دنیا
- امید به زندگی در ایران
- رشد جمعیت ایران
- تعداد زندانیان
- زنان (میانگین درآمد حقوق مردان ۲.۵ برابر زنان)
- رشد اقتصادی
- رشد جمعیت

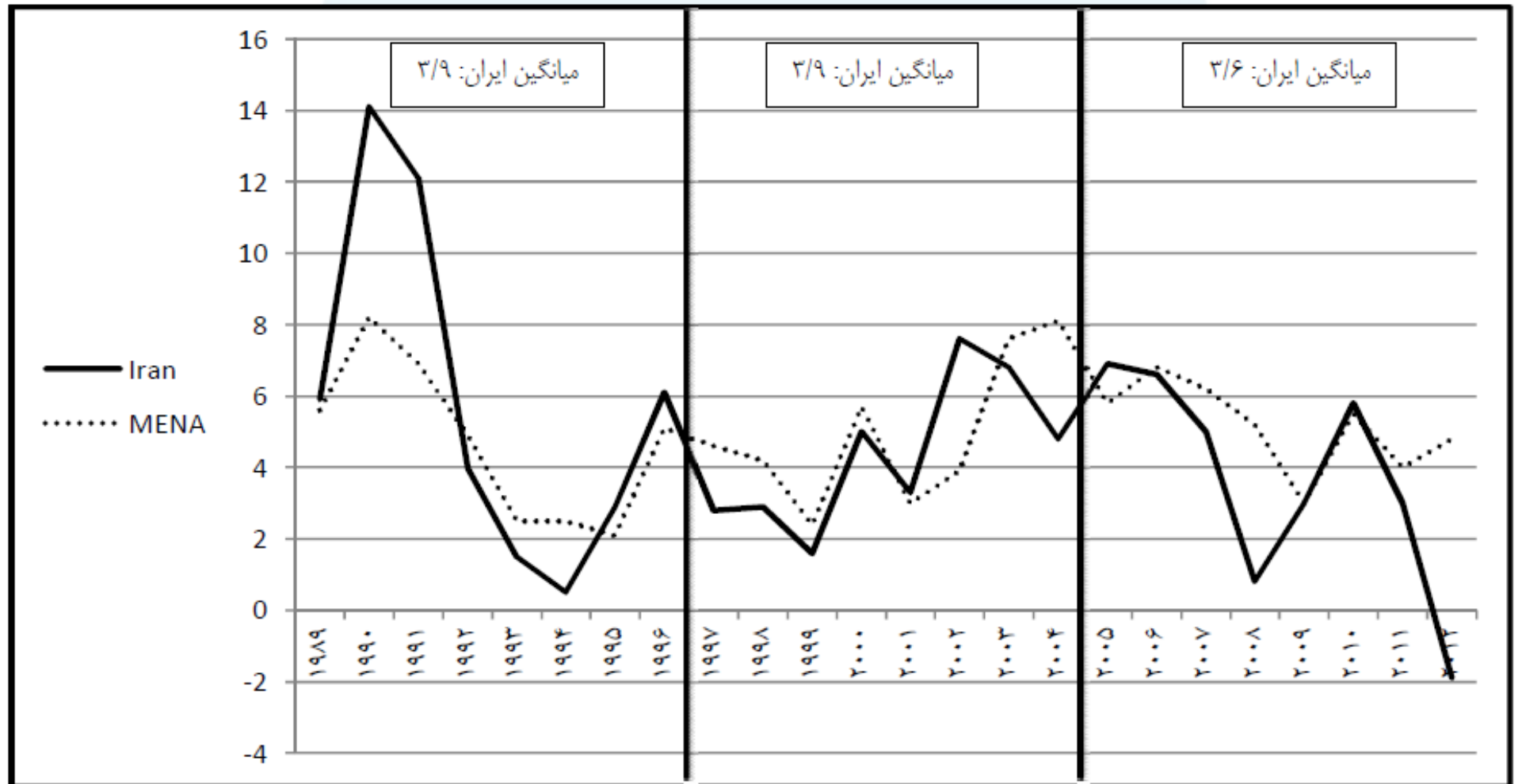
شاخص های توسعه انسانی ایران

● شاخص های توسعه انسانی که توسط بانک جهانی ارائه می گردد، ارائه دهنده جدیدترین اطلاعات مربوط به توسعه جهانی می باشد و شامل برآوردهای ملی، منطقه ای و جهانی می باشد. این آمارها که ۲۱۵ اقتصاد جهان را در بر می گیرد، به صورت آمارهای سالیانه می باشد. این مرجع آماری جهانی، آمارهای بیش از ۸۰۰ شاخص جهانی را مورد بررسی قرار می دهد. هر ساله در ماه آوریل، بانک جهانی اقدام به انتشار HDI می نماید و بانک اطلاعاتی قرار گرفته بر روی سایت بانک جهانی در خصوص شاخص های توسعه جهانی، چهار بار در سال و در ماههای آوریل، ژوئیه، سپتامبر و دسامبر به روز می شود.

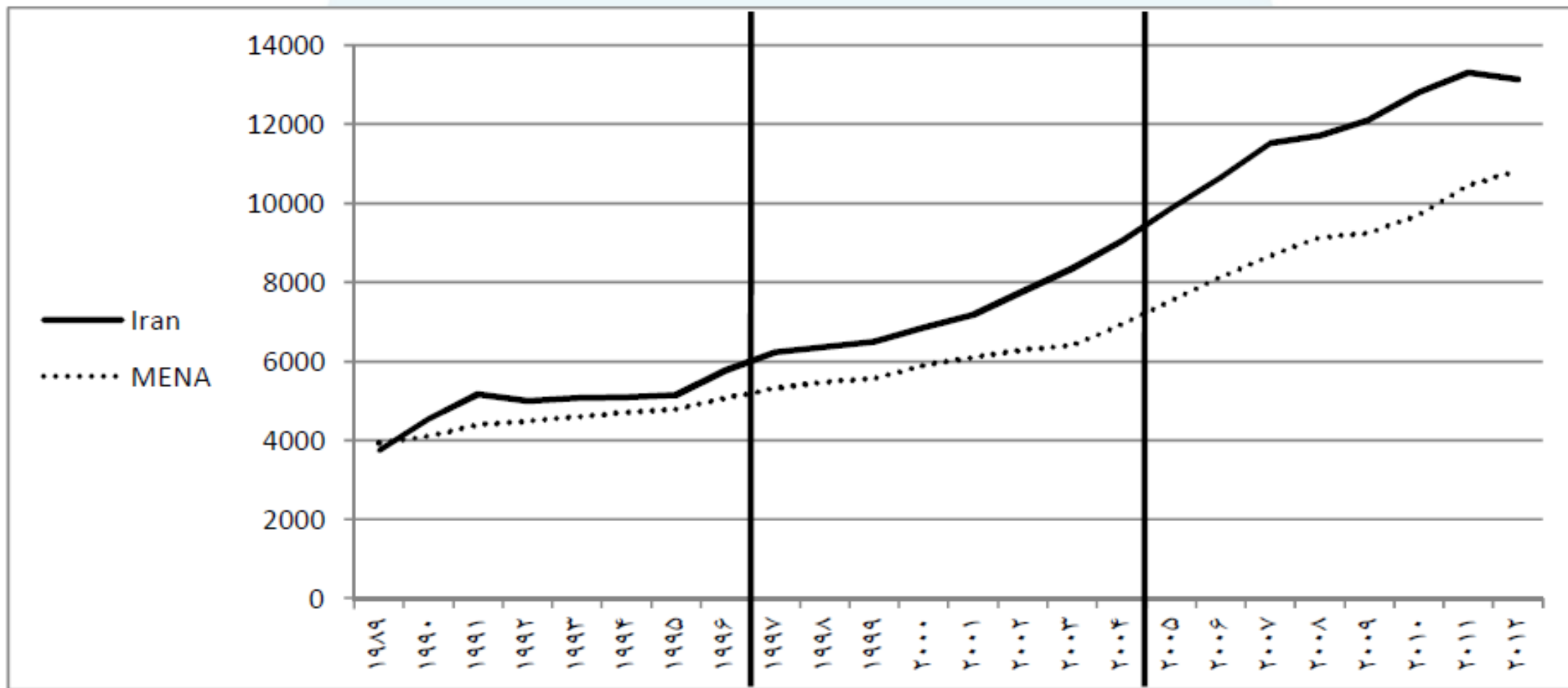
● ایران با داشتن شاخص توسعه انسانی برابر ۰/۷۴۲ رتبه ۷۶ام را در بین ۱۷۸ کشور در سال ۲۰۱۳ دارا می باشد. ایران در رده بندی کشورها بهتر از کشورهایی مانند برزیل، مالزی، هند، مقدونیه، پروو گرجستان و پس از کشورهای آلبانی، قزاقستان و ونزوئلا قرار گرفته است. بر اساس همین گزارش، نروژ در رتبه یکم جدول و گینه در رتبه آخر یعنی ۱۷۸ جای می گیرند.

وضعیت رشد اقتصادی ایران در مقایسه با خاورمیانه

نمودار ۱. مقایسه رشد اقتصادی به قیمت‌های ثابت به پول ملی با متوسط منطقه در سه دوره هشت‌ساله



نمودار ۳. مقایسه تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید بر حسب دلار بین‌المللی جاری نسبت به متوسط منطقه در سه دوره هشت‌ساله



گزارش مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع

ادامه جدول ۳. مقایسه‌ی تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید بر حسب دلار بین‌المللی جاری از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲ (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱)

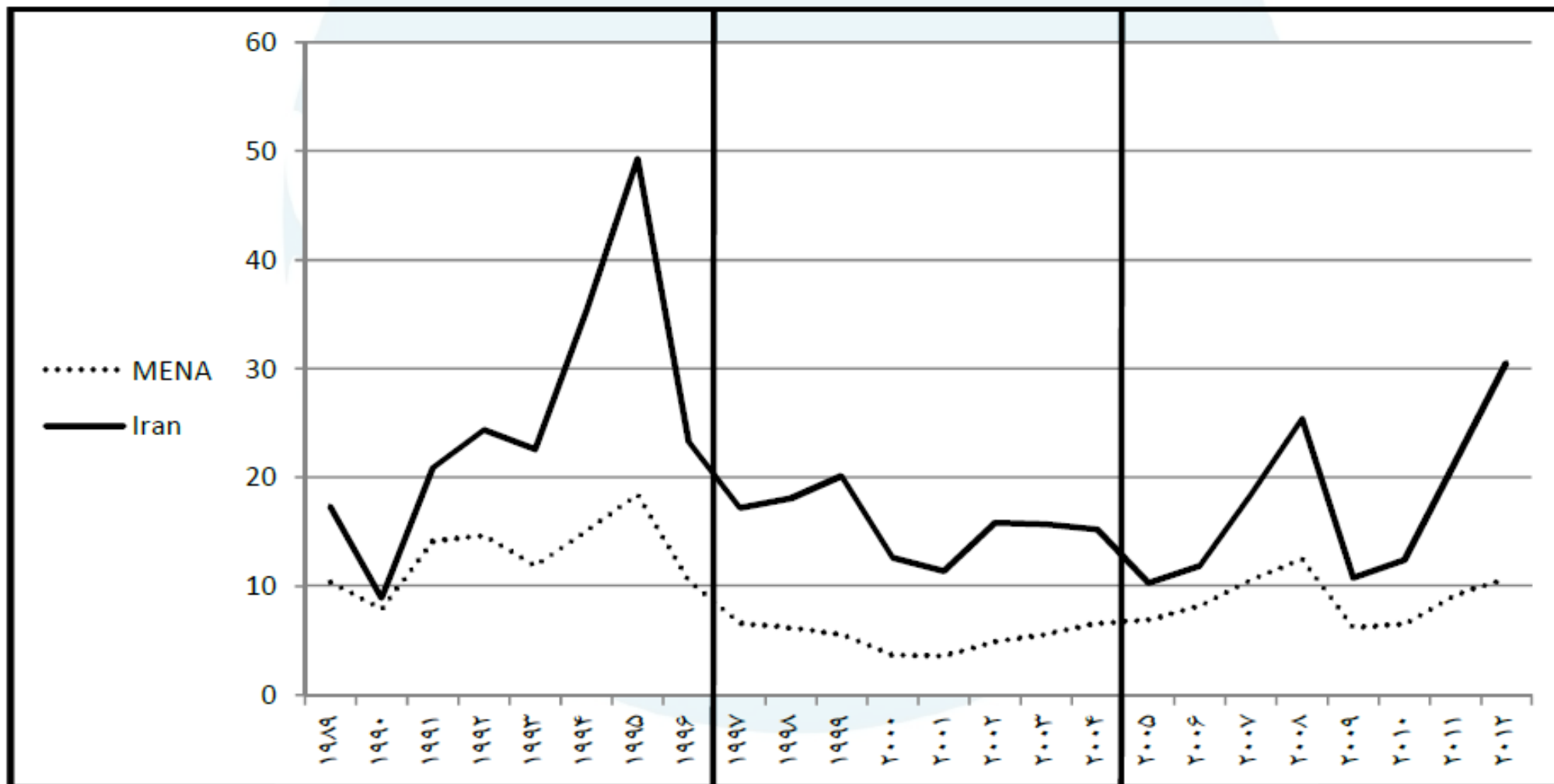
متوسط ۲۰۰۵-۲۰۱۲	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	متوسط ۱۹۹۷-۲۰۰۴	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	سال کشور
۱۱۸۸۶	۱۳۱۲۷	۱۳۳۱۲	۱۲۷۸۹	۱۲۱۰۳	۱۱۷۰۶	۱۱۵۳۰	۱۰۶۵۱	۹۸۶۹	۷۲۸۷	۹۰۴۳	۸۳۶۰	۷۷۶۹	ایران
۲۶۱۷۳	۳۱۲۷۵	۲۹۴۰۱	۲۷۳۱۴	۲۵۹۲۸	۲۶۱۰۷	۲۴۳۵۵	۲۳۰۸۸	۲۱۹۰۳	۱۷۹۵۷	۲۰۱۱۴	۱۹۰۴۹	۱۷۷۱۹	عربستان سعودی
۵۸۴۵	۶۵۴۵	۶۴۵۵	۶۳۴۴	۶۰۹۳	۵۹۰۱	۵۵۰۵	۵۱۵۷	۴۷۶۲	۳۹۳۵	۴۵۱۴	۴۳۰۴	۴۱۶۵	مصر
۱۲۹۱۳	۱۵۰۰۱	۱۴۵۴۳	۱۳۲۹۴	۱۲۱۷۷	۱۲۸۵۴	۱۲۶۵۰	۱۱۸۸۳	۱۰۸۹۹	۸۰۹۷	۹۷۲۵	۸۵۷۷	۸۰۸۵	ترکیه
۹۲۱۷	۱۰۸۲۷	۱۰۴۶۴	۹۷۰۱	۹۲۵۶	۹۱۲۳	۸۶۸۰	۸۱۳۶	۷۵۴۷	۵۹۹۸	۶۹۳۶	۶۴۰۹	۶۲۹۱	منطقه ^(۱)

منبع: صندوق بین‌المللی پول (آوریل ۲۰۱۳)

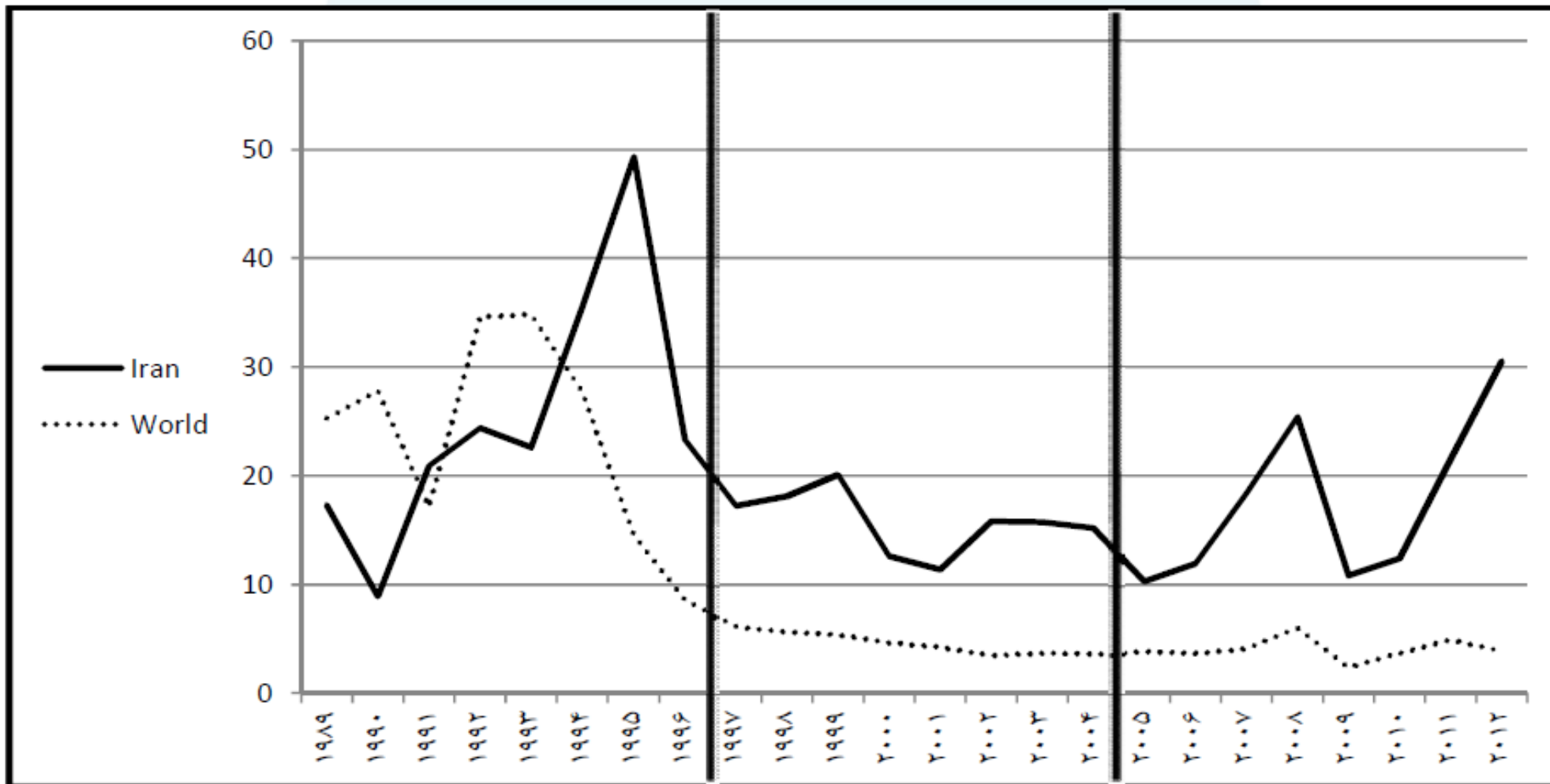
ادامه جدول ۴. مقایسه‌ی تولید ناخالص داخلی سرانه بر حسب دلار آمریکا به قیمت‌های جاری از ۱۹۸۹ تا ۲۰۱۲ (۱۳۶۸ تا ۱۳۹۱) در کشورهای منتخب سند چشم‌انداز

متوسط ۲۰۰۵-۲۰۱۲	۲۰۱۲	۲۰۱۱	۲۰۱۰	۲۰۰۹	۲۰۰۸	۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	متوسط ۱۹۹۷-۲۰۰۴	۲۰۰۴	۲۰۰۳	۲۰۰۲	سال کشور
۴۹۸۷/۱	۷۳۱۱	۶۵۹۹	۵۶۳۸	۴۹۲۶	۴۸۵۷	۴۳۱۲	۳۴۲۹	۲۹۲۵	۱۸۲۰/۶	۲۴۶۵	۲۰۴۲	۱۷۶۷	ایران
۱۸۸۰۳/۹	۲۵۰۸۵	۲۳۵۹۹	۱۹۱۱۳	۱۶۰۹۵	۲۰۱۵۷	۱۶۶۷۸	۱۵۶۲۵	۱۴۰۷۹	۹۲۸۳	۱۱۴۶۹	۱۰۰۵۸	۹۰۶۸	عربستان سعودی
۲۲۴۸/۹	۳۱۱۲	۲۹۳۰	۲۷۷۶	۲۴۵۳	۲۱۶۰	۱۷۷۱	۱۵۰۶	۱۲۸۳	۱۳۵۶/۱	۱۱۴۹	۱۲۰۹	۱۳۲۶	مصر
۹۲۲۶	۱۰۶۰۹	۱۰۴۷۱	۱۰۰۱۷	۸۵۲۸	۱۰۲۷۲	۹۲۴۵	۷۶۲۶	۷۰۴۰	۴۱۹۰/۴	۵۷۹۱	۴۵۳۵	۳۵۱۹	ترکیه

نمودار ۴. مقایسه نرخ تورم در اقتصاد ایران نسبت به متوسط نرخ تورم منطقه در سه دوره هشت ساله



نمودار ۵. مقایسه نرخ تورم در اقتصاد ایران نسبت به متوسط نرخ تورم جهان در سه دوره هشت ساله



جدول ۸. مقایسه‌ی شاخص و رتبه محیط کسب و کار در کشورهای منتخب سند چشم‌انداز

سال کشور	مقدار شاخص ^(۱)		رتبه جهانی ^(۲)		رتبه منطقه‌ای ^(۳)	
	۲۰۰۷-۱۱	برآورد ۲۰۱۲-۱۶	۲۰۰۷-۱۱	برآورد ۲۰۱۲-۱۶	۲۰۰۷-۱۱	برآورد ۲۰۱۲-۱۶
ایران	۳/۹۳	۳/۸۲	۸۱	۸۲	۱۶	۱۷
عربستان سعودی	۶/۰۸	۶/۵۴	۴۵	۴۲	۶	۶
مصر	۵/۵۴	۵/۵۳	۵۸	۶۴	۹	۹
ترکیه	۵/۹۵	۶/۴۳	۵۰	۴۵	-	۳۱-

Economist Intelligence Unit (EIU), 2013

جدول ۹. خلاصه برخی از شاخصهای کلان اقتصادی

دوره شاخص	دوره اول (۱۳۶۸ - ۱۳۷۵)	دوره دوم (۱۳۷۶ - ۱۳۸۳)	دوره سوم (۱۳۸۴ - ۱۳۹۱)
رشد تولید ناخالص داخلی	قابل قبول نسبت به کشورهای منتخب، منطقه و جهان	قابل قبول نسبت به کشورهای منتخب، منطقه و جهان	نامطلوب (در حدود ۲/۵ واحد درصد پایین تر از عربستان، در حدود ۱/۵ واحد درصد پایین تر از منطقه و در حدود رشد اقتصادی جهان)
تولید ناخالص داخلی سرانه بر اساس برابری قدرت خرید	وضعیت نامطلوب نسبت به ترکیه و عربستان	وضعیت نامطلوب نسبت به ترکیه و به ویژه عربستان	وضعیت نامطلوب نسبت به ترکیه و به ویژه عربستان
رشد سرمایه گذاری	متوسط (۵/۹ درصد)	نسبتاً مطلوب (۷/۷ درصد)	متوسط (۵/۲ درصد)
رشد ارزش افزوده بخش صنعت	مطلوب (۸/۰ درصد)	مطلوب (۸/۶ درصد)	نامطلوب (۴/۶ درصد)
نسبت صادرات غیرنفتی به کل صادرات کالا (درصد)	نامطلوب (۱۵/۱ درصد)	نامطلوب (۱۸/۵ درصد)	نامطلوب (۱۹/۷ درصد)
رشد پایه پولی (درصد)	نامطلوب (۱۸/۰ درصد)	متوسط (۱۵/۰ درصد)	نامطلوب (۲۳/۴ درصد)
رشد نقدینگی (درصد)	نامطلوب (۲۷/۹ درصد)	نامطلوب (۲۴/۲ درصد)	نامطلوب (۲۶/۲ درصد)
نرخ تورم (درصد)	معادل متوسط تورم جهان و نامطلوب نسبت به متوسط تورم منطقه	نامطلوب نسبت به متوسط تورم منطقه و جهان	نامطلوب نسبت به متوسط تورم منطقه و جهان
نرخ سود سپرده‌های سرمایه‌گذاری یک‌ساله	متوسط (۱۰/۹ درصد)	نامطلوب (۱۳/۵ درصد)	نامطلوب (۱۴/۳ درصد)
نرخ ارز (نسبت پایان دوره به اول دوره)	نامطلوب (۳/۷)	متوسط (۱/۸)	نامطلوب (۲/۹)
رشد بهره‌وری کل در کارگاههای صنعتی	نامطلوب (۱/۸ درصد)	نامطلوب (۱/۷)	نامطلوب (۱/۵ درصد)
ضریب جینی	متوسط (۰/۳۹۸۵)	متوسط (۰/۴۰۴۰)	متوسط (۰/۳۹۱۹)
نسبت هزینه ۱۰ درصد ثروتمندترین به ۱۰ درصد فقیرترین خانوارها	۱۶	۱۵/۳	۱۳/۹

مهم ترین مانع توسعه ایران

- نورمن جاکوبز: از دیدگاه نهادی عمل اقتصادی در جامعه ایرانی، تابعی از ملاحظات غیر اقتصادی است.
- صادق زیبا کلام (ما چگونه ما شدیم): تحلیل عوامل تاریخی با تأکید بر عوامل اقلیمی

توسعه پایدار چیست؟

جایگاه توسعه پایدار در مفهوم توسعه-دکتر مهدی روانشادنیا-www.ravanshadnia.com

تعریف توسعه پایدار :

واژه «پایدار» از واژه لاتین سوستنر مشتق می شود که به معنای حفظ و نگاه داشتن است. براساس فرهنگ وبستر سوستین به معنای **حفظ کردن، پشتیبانی کردن یا تسکین دادن** است. در هر دو منبع ، شرط مهم توسعه پایدار، فعال بودن یا در حالت انجام فعالیت قلمداد شده است.

پایدار بودن یعنی “ تدبیر در حداکثر کردن “ ارزشی که شخصی می تواند در طی یک هفته مصرف کند و انتظار می رود در انتهای هفته نیز به مثابه آغاز هفته تأمین باشد .

توسعه پایدار فرآیندی است که باعث رفتار محتاطانه و مدبرانه می شود .

توسعه پایدار

از جمله واژه های مهم دیگری که از دهه ۷۰ وارد ادبیات توسعه شده و حجم قابل توجهی از آن را به خود اختصاص داده توسعه پایدار (Sustainable Development) است. بعد از رشد سریع کشورهای پیشرفته کنونی بخصوص بعد از جنگ جهانی دوم، جهان با دو مشکل پیش بینی نشده مواجه شد:

۱- گسترش فقر و نابرابری

۲- تخریب وسیع محیط زیست.

از آن تاریخ تا کنون تعاریف توسعه با محوریت رفع این دو عارضه مورد تجدید نظر قرار گرفتند.

مطالعات مربوط به فقر در حوزه اقتصاد باقی ماند و انبوهی از این تحقیقات تاکنون در مراکز علمی و دانشگاهی ایجاد شده است و هم اکنون نیز با شدت ادامه دارد. اما مطالعات مربوط به محیط زیست به شاخه های علمی دیگر سپرده شد.

تعریف توسعه پایدار

منظور از توسعه پایدار تلاش برای توازن بین رشد اقتصادی و حفظ محیط است. اگر چه تعاریف متعددی از این اصطلاح ارائه شده است ولی بهترین تعریف عبارتست از: "تأمین نیازهای نسل کنونی بدون لطمه زدن به منافع نسلهای آینده" (Commission on World Environment and Development, 1987, pp. 4&8)

طبق این تعریف، کیفیت زندگی آینده و بطور کلی کیفیت زندگی به کیفیت محیط زیست بستگی تام دارد.

بنابراین، توسعه دانه‌ها توصیه می‌کنند که کلیه برنامه ریزان توسعه حتماً باید در طرحهای خود توسعه را با حفظ محیط زیست در نظر بگیرند. از آنجا که یکی از دلایل تخریب محیط زیست پاسخ جوامع به مصرف فزاینده جمعیت رو به تزاید خود می‌باشد بحث توسعه پایدار یک مسئله کلیدی در مطالعات توسعه بوده و بنا براین برنامه ریزان باید بطور جدی و سریع در مورد الگوی تولید و مصرف جهانی تجدید نظر کنند (Todaro).

توسعه پایدار

- اصطلاح **توسعه پایدار** یا **پایا** (Sustainable development) در اوایل سالهای دهه ۱۹۷۰ در باره محیط و **توسعه** بکار رفت.
- بکار بردن واژه توسعه پایدار بعد از کنفرانس ریودوژانیرو در سال ۱۹۹۲ در محافل علمی فراگیر شد
- توسعه پایدار سعی دارد به پنج نیاز اساسی زیر پاسخ گوید: تلفیق حفاظت و توسعه، تامین نیازهای اولیه زیستی انسان، دستیابی به عدالت اجتماعی، خودمختاری و **تنوع فرهنگی** و حفظ یگانگی **اکولوژیکی**

زمینه ها و بستریهای توسعه پایدار

زمینه های شکل گیری توسعه پایدار

- پیامدها و نتایج سیاست های تعدیل ساختاری که برای مقابله با بحران های اقتصادی دهه ۸۰ تدوین شده بود

- رشد فزاینده بحران های اجتماعی جهانی مانند فقر، نابرابری و..

- تخریب نگران کننده محیط زیست و منابع طبیعی در نتیجه کاربرد تکنولوژی ها

- توجه مکاتب رایج به بعد اقتصادی توسعه و کم توجهی به ابعاد اکولوژیکی و فرهنگی توسعه

● پارادایم توسعه پایدار متناسب برآوردن نیازهای انسانی در دوره فراصنعتی یا پست مدرنیته است. الگوی پایداری با اصول فیزیک کوانتوم سازگار است. جامعه محلی، طبیعت و دیگر جانداران به عنوان ارگانیزمهای زنده بیولوژیکی (که هر یک به نوبه خود یک کل است) الگوسازی می شود: ماهیت علت و معلولی هرگز به طور کامل قابل تعریف نیست و هر چیزی با چیز دیگری مرتبط است. اگر رابطه علت و معلولی وجود داشته باشد، این رابطه از نوع چرخه ای است نه یک طرفه و تغییر هدفدار نیازمند مداخله متفکرانه است نه تعمیر و تعویض و مونتاژ.

● هدف، پایدار ساختن سلامت و بهره وری سیستم در طول زمان است و تغییرمستمر و باز تولید، یک قسمت بنیادی از این فرایند است

کنفرانس ها واجلاسیه های جهانی مرتبط با توسعه پایدار

	1950	۱۹۶۸	۱۹۷۲	۱۹۸۷	۱۹۹۱	۱۹۹۲	
	توجه به مسائل محیط زیست در اثر تشدید فعالیت های آلوده کننده محیط زیست	تصمیم مجمع عمومی سازمان ملل برای برگزاری کنفرانس بین امللی محیط زیست	تشکیل اولین کنفرانس جهانی در سوئد و ارائه برنامه عملی	انتشار گزارش آینده ما از طرف سازمان ملل	برگزاری سمپوزیوم لاهه	برگزاری کنفرانس زمین با حضور سران در ریو	

□ اولین تلاش های مرتبط با توسعه پایدار در اواخر دهه ۱۹۶۰ م. رخ داد و ویژگی آن بحث درباره کیفیت محیط زیست در برابر رشد اقتصادی و حاکی از تغییر بینش و نگرش درباره الگوهای سنتی رشد اقتصادی بود. اما نقش اساسی در تبیین و توجه به توسعه پایدار به دوکنفرانس محیط زیست استهکلم در سال ۱۹۷۲ وکنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ و یک کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ مربوط می شود

□ - کنفرانس محیط زیست استکهلم ۱۹۷۲

❖ در این کنفرانس به این واقعیت تأکید شد:

❖ که دو سوم جمعیت دنیا گرفتار فقر، بیسوادی، سوء تغذیه و گرسنگی و.. است و تا زمانی که این مسائل حل و فصل نشود ، پیشرفتی در توسعه و بهبودی در وضع محیط زیست انسان حاصل نمی شود.

❖ به این دلیل باید ملاحظات محیط زیستی در استراتژیهای توسعه تلفیق شده و سعی شود که از منابع طبیعی به نحو مناسب در جهت بهبود کیفیت زندگی مردم استفاده شود و از اشتباه های کشورهای توسعه یافته پرهیز شود.

کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه

این کمیسیون در سال ۱۹۸۷ م. با عنوان کمیسیون برانتلند از سازمان ملل خواست تا از کشورهای مختلف برای ایجاد یک سیستم همکاری و تلاش مشترک برای دستیابی به رفتار مناسب در کلیه سطوح و کسب منافع عمومی دعوت بهعمل آورد.

با وجود اینکه در این گردهمایی تخریب گسترده محیط زیست گزارش شد، اما شرکت کنندگان خوش بینانه بر این باور بودند که به شرط متعهد شدن و هماهنگی جهانی، آینده ای مطمئن برای همگان امکانپذیر خواهد بود.

● کنفرانس ریو ۱۹۹۲ :

● مهمترین نتیجه این اجلاس جمع بندی آن است که به عنوان دستور کار ۲۱ شناخته شد و بر اساس آن دولتها موظف شدند چارچوب استراتژیکی خاصی را برگزینند که ترکیب اهداف توسعه ای و زیست محیطی را میسر سازد یکی از توصیه های مهم دستور کار ۲۱ ، تشکیل کمیون توسعه پایدار در سازمان ملل متحد بود . که در حال حاضر اهداف مربوط به توسعه پایدار را دنبال می کند.

● بر اساس نتایج اجلاس ریو، اهداف مهمی را که از طریق مفهوم توسعه پایدار می توان دنبال نمود عبارتند از:

● تجدید حیات رشد اقتصادی، تغییر کیفیت رشد اقتصادی، برآورده ساختن نیازهای ضروری نظیر شغل، انرژی، آب و اقدامات بهداشتی، اطمینان یافتن از یک سطح پایداری از جمعیت، محافظت از منابع طبیعی و ارتقاء منابع، جهت گری مجدد دانش فنی و روابط اقتصادی بین المللی، اقدام در جهت هرچه مشارکتی تر کردن توسعه

● اصطلاح توسعه پایدار به صورت وسیع بعد از گزارش کمیسیون برانتلند تحت عنوان آینده مشترک ما و اجلاس ریو ۱۹۹۲ م. مطرح شد. از آن موقع تاکنون افراد در بحث و جدلند که توسعه پایدار در عمل چه معنا می دهد و چگونه می توان به آن دست یافت. بعضی هم توسعه اخلاقی و توسعه پایدار از نظر اکولوژیکی و اصطلاحات مشابه ای را ارائه داده اند.

● کمیسیون جهانی محیط زیست توسعه پایدار را به عنوان توسعه ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسلهای آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می کند.

کمیسیون مذکور تغییرات لازم زیر را برای توسعه پایدار لازم می داند:

- نظام سیاسی که مشارکت موثر شهروندان را در تصمیم گیری تضمین کند
- نظام اقتصادی که برای تنش های ناشی از توسعه ناهمگون راه حل های مناسب ارائه می دهد
- نظام تولیدی که الزامات حفاظت از محیط زیست را به عنوان بنیاد توسعه واقعی محترم می شمارد
- نظام بین المللی که الگوهای پایدار مبادله و سرمایه گذاری حمایت می کند
- نظام اداری که منعطف بوده و برای تصحیح خود ظرفیت لازم را داراست

ایده های اصلی توسعه پایدار:

- ❖ نگهداری، همبستگی و انسجام اکولوژیکی
- ❖ یکپارچگی و حفاظت محیطی در امر توسعه
- ❖ ایجاد سازگاری و همبستگی متقابل بین کشورهای شمال و جنوب
- ❖ تامین حداقل نیازهای اساسی برای همگان
- ❖ توجه به همه نسلها، درون نسل ها و گونه ها
- ❖ تاکید در بکارگیری علم در مواجهه با مسائل توسعه
- ❖ پذیرش رشد اقتصادی در چارچوب محدودیت ها
- ❖ پذیرش شیوه بلند مدت توسعه
- ❖ به هم پیوستن ارزش های مربوط به محیط طبیعی

و فرهنگی

زمینه های توسعه پایدار

- الف) زمینه پایدار منابع که از بهره‌وری جمعیت‌ها و اکوسیستم‌ها حاصل می‌شود.
- ب) فراوانی پایدار و تنوع زیستی گونه‌های فردی در زمینه اکوسیستم‌ها نسبت به بهره‌برداری انسانی و به طور کلی تر مداخلات انسان
- ج) توسعه اقتصادی پایدار بدون تخریب منابع موجود برای نسل‌های آینده.

دیدگاه های موجود در ارتباط با توسعه پایدار

پایداری تکنولوژی

- عقاید این گروه بر آن است که دست یابی به توسعه پایدار در تمام زمینه هادر غالب سیستم و مکانیزم حاکم بر عرصه های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی موجود امکان پذیر است. به عقیده این گروه هر مشکلی دارای یک پاسخ و راه حل تکنولوژی است و جایی برای ترس و نگرانی وجود ندارد.

پایداری اکولوژیکی

- پیروان این گروه معتقدند که ساختار موجود در جوامع امروزی ناپایدارند و رسیدن به توسعه پایدار نیازمند یک شیوه و طرز تفکر جدید برای تغییر این ساختارهاست. آنها معتقدند که باید در ساختار سیستم های سیاسی اقتصادی و اجتماعی موجود تغییراتی داده شود. پایداری اکولوژیکی راه حل هایی ارائه می دهد که در ابتدای نیازمند تجدیدنظر در ارتباط با کشاورزی، مسکن، انرژی، طراحی شهری، حمل و نقل، اقتصاد، خانواده، منابع مصرفی، جنگلداری، بیابان ها و ارزش های اصلی زندگی مان باشد.
- این نظریه معتقد به برخورد با مشکلات به صورت اساسی و ریشه ای است.
- تغییرات ساختاری را الزاماً به معنی جایگزینی سیستم های موجود نمیداند.
- تکنولوژی رانفی نمی کند بلکه ان را جزیی از طبیعت می داند که باید با طبیعت عمل کند

ویژگیهای توسعه پایدار:

- ۱- خودکفا و خوداتکا، که در محدودیتهای منابع طبیعی معنی پیدا می کند.
- ۲- دوستدار محیط، که حفظ و حراست از آن را هدف خود می داند.
- ۳- کم هزینه و بدون اتلاف، که از منابع به صورتی بهینه بهره می گیرد.
- ۴- که در آن ارزش، امنیت انسانها از اولویت برخوردار است.
- ۵- انسانی و انسان گرا، که محور اصلی آن بالندگی انسانی است.
- ۶- فقرزدا، زیرا فقر بیشتر از هر عامل دیگر مخرب محیط است.

نظریات توسعه پایدار:

۱- از نظر پیروان سبک پیرس : از نظر پیرس می توان شرایط لازم برای توسعه پایدار را چنین خلاصه کرد : ثبات ذخایر موجود متشکل از سرمایه های طبیعی ، به طور دقیق تر لازم است به نحوی که ذخایر طبیعی دارای تغییرات منفی باشند .

۲- نظر معتقدین به امکان جایگزینی منابع طبیعی و مصنوعی : این گروه اظهار می کنند که توسعه پایدار خواستار حفظ ذخایر موجود از منابع طبیعی و یا حفظ ترکیب ثابتی از آنها نیست، بلکه هنگامی که توسعه اتفاق می افتد ترکیب منابع و ذخایر اساسی تغییر می کند و اعتقاد دارند منابع فیزیکی می تواند جایگزین منابع طبیعی گردد .

۳- نظرات مبتنی بر قوانین ترمودینامیک : بر اساس قانون دوم ترمودینامیک میل فزاینده ای به وضعیت بی نظمی وجود دارد ، یعنی وضعیتی که نمی توان از آن محصول مفیدی حاصل کرد .

۴- گروهی دیگر استدلال خود را بر مبنای لزوم عدالت در توسعه پایدار قرار داده اند

از مدیریت توسعه تا مدیریت توسعه پایدار :

مفهوم توسعه را نمی توان در خلا بررسی کرد بلکه باید آن را در دنیای واقعی و در شرایط تاریخی مختص به آن مورد مطالعه قرار داد. اصولاً توسعه مفهومی است که پیشینه آن به قدمت تمدن بشری است ؛ اما ، مطالعه و بررسی علمی آن پیشینه ای کوتاه دارد و از دهه ۱۹۵۰ میلادی به بعد ، بحث توسعه، در کشورهای تازه استقلال یافته مطرح گردید و به تدریج کاربردی عمومی در همه کشورها پیدا کرد .

مبنای تئوریک توسعه بر چند پیش فرض استوار است :

- ۱- نیاز های مربوط به امر توسعه مهمترین نیاز های کشور های در حال توسعه اند .
- ۲- نیاز های توسعه ای کشور های در حال توسعه و توسعه یافته به طور ماهوی متفاوتند .
- ۳- توسعه می تواند مدیریت شود .
- ۴- دانش فنی مربوط به امر توسعه قابل انتقال است .
- ۵- بستر سیاسی، اجتماعی و فرهنگی توسعه می تواند به سادگی تغییر داده شود .

مدیریت توسعه پایدار :

مدیریت توسعه به مجموعه ای سازمان یافته از تلاش هایی اطلاق می شود که برای بهبود و اصلاح ، نوسازی و بازسازی و در نتیجه توسعه و پیشرفت کشور ها در شئون مختلف شکل می گیرد .

در مدیریت توسعه ساختار های مورد نیاز غالباً زیر بنا ساز نامیده می شوند .

در مدیریت توسعه توجه چندانی به محیط و طبیعت و ارزش انسانی نمی شود و رشد و پیشرفت حالتی یکسویه و یک بعدی دارد .

در مدیریت توسعه پایدار باید کوشید تا منافع و مصالح گروههای مختلف برآورده شده ، نیاز ها ناهمگون با یکدیگر آشتی داده شوند و توسعه حال و آینده متوازن و متعادل گردد .

سطوح توسعه پایدار



عوامل ضروری برای توسعه پایدار

- تقاضا و احساس مالکیت در درون جامعه
- برنامه ریزی عملی مبتنی بر نیازها
- تمرکز زدائی و انتقال مسؤلیتها و منابع
- ظرفیت سازی در سطح محلی و ارتقاء مهارتهای فنی

عوامل ضروری برای توسعه پایدار

(ادامه ...)

- تعهد سیاسی و حمایت اداری
- عوامل فرهنگی اجتماعی و محیطی هدایتی
- استفاده از تکنولوژیهای مناسب و سازگار در سطح محلی
- مدیریت مالی شفاف و کارا
- پایش موثر و ارزشیابی دوره ای

تفاوت های اساسی پارادایم رشد و توسعه پایدار

پارادایم توسعه پایدار	پارادایم رشد
تلاش برای توسعه همه جانبه در همه ابعاد	حصول رشد اقتصادی به هر قیمت
توسعه پدیده چند بعدی است که مردم تعریف کننده آن میباشد .	توسعه پدیده ای اقتصادی است و دولت ها تعریف کننده آن میباشد
برنامه ریزی نهادی با مراکز متعدد، سازمانهای مردمی ، چارچوبهای نظارتی	ایجاد سازمان های بزرگ و نیرومند برای توسعه با محور بودن دولت
اندیشه محوری فرایند توسعه : ارزیابی	اندیشه محوری فرایند توسعه : برنامه ریزی
نقش دولت : ایجاد چارچوب های قانونی، تواناسازی ، محول کننده قدرت ، مشوق همکاری ها ، فعالیتهای مردم و نهادهای مردمی	نقش دولت : تولیدکننده اصلی، تهیه کننده و نظارت کننده اصلی
هدف پیشرفت انسانی پایدار است.	هدف حداکثرسازی سود و کارایی اقتصادی است.
پایه اصلی فلسفی مسؤولیت جمعی است.	پایه اصلی فلسفی فردگرایی است.
انتخاب تکنولوژی با توجه به پایداری بوم شناختی صورت می گیرد.	انتخاب تکنولوژی بدون توجه به محیط زیست و در جهت افزایش کارایی صورت می گیرد.
شاخص موفقیت پایداری است	شاخص موفقیت سودآوری و رشد است
منابع طبیعی بستر حیات و توسعه است.	به منابع طبیعی به عنوان یک عامل تولید نگاه میشود.

چالش های توسعه پایدار

● توسعه پایدار در نزد بسیاری از افراد به معنای رشد پایدار تلقی میشود (درحالی که رشد فقط به یک بعد از توسعه توجه دارد)

● خطر رسیدن به آستانه های بحرانی در عرصه های گوناگون از جمله:

❖ افزایش جمعیت و مصرف منابع: از انقلاب صنعتی تاکنون جمعیت جهان ۹ برابر و برداشت سرانه آب ۳۶ برابر شده است.

❖ فقر بیش از یک میلیارد نفر در جهان در فقر مطلق به سر می برند

❖ تغییرات جهانی آب و هوا: گزارشهای بسیاری در زمینه افزایش گاز متان و غلظت دی اکسید کربن در اتمسفر و خسارت لایه ازن و تغییرات اقلیمی وجود دارد.

❖ بدهی: افزایش بدهی های کشورهای کم درآمد باعث شده است که از سال ۱۹۸۴ م. نوعی انتقال خالص سرمایه از کشورهای کم درآمد به کشورهای با درآمد بالا صورت گیرد.

❖ عدم تمرکز و جهانی شدن: یک چالش مهم برای توسعه پایدار است که به کدام موضوعات در کدام سطح و به چه صورت توجه شود.

❖ دشواری تأمین نیاز فعلی بدون کاهش توان نسلهای آینده

اصول مدیریت توسعه پایدار

جایگاه توسعه پایدار در مفهوم توسعه-دکتر مهدی روانشادنیا-www.ravanshadnia.com

اصول مدیریت توسعه پایدار:

- ۱- اصل پرداخت هزینه از سوی آلوده کننده
- ۲- اصل بقا و ناتوانی در پرداخت هزینه ها
- ۳- اصل مسئولیت جهانی در توسعه

اصل پرداخت هزینه از سوی آلوده کننده

بر اساس اصل پرداخت هزینه از سوی آلوده کننده هر کشور یا منطقه ای که در ایجاد آلودگی سهمیه بوده است ، باید هزینه های رفع آلودگی را بپردازد .

مشکلات اجرای اصل :

- ۱- به طور دقیق و قاطع نمی توان گفت که آلوده کننده کیست و مسئولیت بر عهده چه کشوری است .
- ۲- تعیین میزان آلودگی به سهولت میسر نمی شود .
- ۳- تعیین هزینه آلودگی کار ساده ای نیست .
- ۴- مشکل آلودگی و تخریب محیط در اغلب موارد بلا فاصله رخ نمی دهد .

۲- اصل بقا و ناتوانی در پرداخت هزینه ها :

اصل پرداخت هزینه از سوی آلوده کننده در عمل با مشکل دیگری نیز روبرو است و آن ناتوانی در پرداخت هزینه ها از سوی کشورهای فقیر است .

بر اساس این اصل باید به مسأله توسعه پایدار در سطح جهانی نگرینسته شود و در مدیریت آن تمام کشورها در یک حرکت هماهنگ و در یک جهت با مسأله برخورد کنند .

۳- اصل مسئولیت جهانی در توسعه :

بر اساس این اصل ، تمامی کشور ها مسئولند تا در جهت سلامت و حفاظت از محیط زیست بشری بکوشند.

در جهت تقویت و حمایت از این اصل از طرف سازمانهای جهانی قدمهایی نیز برداشته شده است ، به طور مثال دو سازمان عمده جهانی که با کمک های مالی خود و از طریق وام به طرح ها و پروژه ها یاری می رسانند ، صندوق بین المللی پول و بانک جهانی است .

مولفه ها و عوامل توسعه پایدار

مؤلفه های توسعه پایدار :

- ۱- انسان : توسعه پایدار انسان محور است .
- ۲- کودکان و جوانان : پایداری برای کودکان ، نوجوانان و جوانان مسأله ای واقعی است .
- ۳- زنان : زنان در جهان و به ویژه در کشور های در حال توسعه از نابرابری های بسیار در رنجند در حالیکه توسعه بدون مشارکت فعال آنان انجام نخواهد شد .
- ۴- محیط زیست : در چشم انداز زیست محیطی آنگونه که “مان” مطرح کرد ، توسعه تنها زمانی پایدار است که بر شالوده اصل بوم شناسی استوار باشد .
- ۵- فرهنگ : با پذیرش فرهنگ به عنوان یک رکن اصلی توسعه پایدار ، راه برای ورود دیگر مولفه های معنوی و غیر مادی گشوده می شود زیرا بر اساس تعاریف مورد توافق جداسازی فرهنگ از ارزشها متصور نخواهد بود .
- ۶- آموزش : شیوه های آموختن بر ۴ پایه مبتنی است :

 ۱. یادگیری زندگی کردن باهم
 ۲. یادگیری دانستن
 ۳. یادگیری عمل کردن
 ۴. یادگیری بودن

- ۷- علم : امروزه دانش به صورتی نابرابر در جهان توزیع شده است و منبع اصلی قدرت و کنترل محسوب می شود .
- ۸- اخلاق :
- ۹- امنیت : توسعه پایدار به صورت روز افزونی در حال تبدیل شدن به “استراتژی امنیت جهانی” است .
- ۱۰- مشارکت : حضور آگاهانه مردم در صحنه سیاسی به ویژه در سالهلی اخیر به عنوان یکی از شاخصه های اصلی توسعه پایدار مورد تأکید قرار گرفته است .

عوامل توسعه پایدار:

۱- دولتها

۲- سازمانهای بین المللی

۳- سازمانهای غیردولتی

۱- دولتها :

در مسیر دستیابی به شرایط پایداری و به ویژه در دوران گذار ، وظایف گسترده ای برعهده دولتها گذارده شد . آنها موظف شدند تا مولفه های توسعه پایدار را در تمامی سطوح برنامه ها و سیاست گذاریها تدوین و رعایت کنند .

الکساندر گرشنکرون : هر چه عقب ماندگی نسبی اقتصادی یک کشور بیشتر بوده است ، تلاشهای توسعه در آن کشور تمرکز بیشتری داشته است .

دولتها مهمترین عامل توسعه پایدار هستند .

۲- سازمانهای بین المللی

سازمانهای بین المللی به ویژه پس از جنگ جهانی دوم به دلیل شرایط متحول جهان مورد توجه بسیار قرار گرفتند .

برگزاری “ اجلاس کره زمین “ از سوی سازمان ملل در سال ۱۹۹۲ در “ ریو دوزانیروی برزیل “ نقطه عطفی در این زمینه بود .

فدریکو مایور دبیر کل وقت یونسکو در اوایل سال ۱۹۹۳ دو کمیسیون بین المللی تشکیل داد :

۱- کمیسیون بین المللی در زمینه تعلیم و تربیت برای قرن ۲۱

۲- کمیسیون جهانی در زمینه فرهنگ و توسعه

۳- سازمانهای غیر دولتی :

تحرك سازمانهای غیر دولتی در سطوح محلی ، ملی و بین المللی از ویژگی های دوران جدید است . این تشکل های داوطلبانه مردمی که با تنوع در شکل ، سطح ، تخصص و از این قبیل به صورت مستقل فعالیت می کنند ، به عنوان پاسخی مسئولانه از طرف مردم با مشارکت در عرصه های حیات اجتماعی ، به تحرك در زمینه های مختلف دامن می زنند .

سازمانهای غیر دولتی در شکل دهی و تحقق دموکاسی مشارکتی ، نقشی حیاتی بر عهده دارند .

توسعه پایدار صنعتی :

بخش صنعت به دلیل آنکه می تواند در بهبود استاندارد های زندگی نقش عمده ای داشته باشد و نیز آثار زیست محیطی آن مهم است ، بسیار مورد توجه است .

در طول سالهای گذشته صنعت در بهبود و توسعه استاندارد های زندگی و ارتقای سطح دانش بشر نقشی اساسی داشته است .

در برنامه ریزی توسعه ، دو عنصر توسعه صنعتی و پایداری زیست محیطی از عناصر اساسی بوده و به منظور برخورداری از توسعه ای بادوام توسعه صنعتی باید بر مفهوم پایداری زیست - محیطی استوار گردد .

مفهوم توسعه پایدار صنعتی :

توسعه پایدار صنعتی : آن الگوهایی از صنعتی شدن که موجب ارتقاء منافع اقتصادی و اجتماعی دوره حال و آینده می گردد بدون اینکه به فرآیند های اکولوژیکی آسیب برساند .

۳ معیار توسعه صنعتی :

- ۱- این توسعه باید زیست کره را حفظ کند
- ۲- در این توسعه باید موثرترین و کارآترین روشهای استفاده از منابع طبیعی و مصنوعی طرح گردیده و به کار گرفته شود
- ۳- این توسعه باید عروج عدالت باشد.

استراتژی تولید تمیز تر :

استراتژی تولید تمیز تر به استراتژی پیشگری از ایجاد آلودگی اطلاق می گردد که به طور یکپارچه در مورد فرآیند های تولیدی و محصولا یا خدمات به کار گرفته می شود و هدف آن کاهش مخاطرات انسانی و زیست محیطی است .

اهداف تولید تمیز :

- ۱- استفاده موثر تر از مواد اولیه ، آب و انرژی
- ۲- حذف مواد سمی و یا خطر ناک
- ۳- کاهش قشر آلاینده و حذف ضایعات در سرچشمه تولید آنها

ویژگیهای تولید تمیزتر :

- ۱- راه حل‌های تولید تمیزتر راه حل‌هایی موردی است
- ۲- تولید تمیزتر منجر به بهبود شرایط زیست محیطی می‌شود
- ۳- راه حل‌های تولید تمیزتر راه حل‌هایی ساده و غیرپیچیده است
- ۴- راه حل‌های تولید تمیزتر راه حل‌هایی ابتکاری و مبتنی بر منطق است
- ۵- به کارگیری تولید تمیزتر صرفه اقتصادی دارد

اهداف توسعه هزاره

مقدمه اهداف توسعه هزاره

- جامعه بین المللی برای استقرار اهداف هزاره سوم یعنی محوریت قرار دادن سلامت و کاهش فقر پروتکلی را با امضاء ۱۹۴ کشور تدوین نموده که در این پروتکل مقرر است دولت‌ها از سال ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۱۵ به اهداف ذیل دست یابند.
- هشت آرمان: مبارزه با فقر و گرسنگی، بیسوادی، مرگ کودکان، بیماری مادران، امراض خطرناک، نابودی محیط زیست، تبعیض و ضعف ارتباطی
- این هشت آرمان به ۲۱ هدف که با ۶۰ شاخص قابل سنجش اند، تجزیه می شود.

اهداف توسعه هزاره

- به نصف رساندن نسبت افرادی که در آمدشان کمتر از ۱ دلار

امریکا در روز بوده و آنهایی که از گرسنگی رنج می برند

- کاهش میزان مرگ و میر کودکان زیر ۵ سال تا میزان دو

سوم

- کاهش نسبت مرگ و میر مادران به میزان سه چهارم

اهداف توسعه هزاره

(ادامه ...)

- متوقف شدن و آغاز روند کاهش و معکوس شدن گسترش HIV/AIDS و بروز مالاریا و سایر بیماریهای اصلی
- ادغام اصول توسعه پایدار در سیاستها و برنامه های کشوری
- به نصف رساندن نسبت افرادی که به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند.

اهداف توسعه هزاره در انتهای راه

- هم اکنون با شروع سال ۲۰۱۵ میلادی، خوب است مروری بر تحقق اهداف مذکور در زمینه های مختلف داشته باشیم.
- ساختمان ها به عنوان محل زندگی انسان در تحقق هدف هفتم یعنی "تضمین پایداری محیط زیست" موثر هستند.
- اگرچه ساختمان در تحقق سایر اهداف و بهبود کیفیت زندگی بی تأثیر نیست، لیکن موضوع تبعات زیست محیطی ساختمان ها و راه حل های مربوطه از موضوعات مهم دنیای امروز است.

پایدار آید ز دیده
چهار پایه پایدار
پایدار آید ز دیده
چهار پایه پایدار